

اوضاع در ایران از این روی به آن روی شده است

سخنان خامنه ای در نماز جمعه روشن تر از هر دوره ای از ابعاد جنگ قدرت در راس هرم جمهوری اسلامی و بویژه افتادن آن در مسیری تازه پرده برداشت. شکاف در میان ملاهای حاکم، ملاهایی که در پیروی از خط خمینی کماکان با هم در مسابقه اند هیچ گاه تا بدین حد آشکار و عریان عمل نمی کرده است. سیل اتهام زنی ها و موج تهدید ها و خط و نشان کشیدن های دولتمردان مذهبی علیه یکدیگر، بطور علنی و در شرایط کشیده شدن سیل عظیم اعتراضات میلیونی اقشار و طبقات مختلف مردم به خیابان ها ، بشدت جریان دارد و سبب بروز شایعات مختلف گشته است.

اغراق نیست اگر که گفته شود در نتیجه این وضعیت ارکان نظام جمهوری اسلامی بواقع به لرزه افتاده است و شیرازه امور آن در مسیر گسیختگی قرار گرفته است؛ این همه، کشور و جامعه 70 میلیونی ما را در وضعیتی تازه قرار داده است. تداوم این وضعیت ، در غیاب یک آلترناتیو دموکراتیک و مورد اعتماد مردم، آینده جامعه متلاطم ما را در هاله ای از پرسش و ابهام قرار می دهد. اوضاع کشور از هر نظر و در تمامی سطوح سیاسی، اعم از حاکمیت ، مردم و اپوزیسیون قانونی و غیر قانونی در مسیر تغییر واز این روی به آن روی شدن قرار گرفته است و...

جنبش وسیع و میلیونی ای که در حال حاضر ایران و بویژه شهرهای بزرگ، محلات و دانشگاه های آن را، در اعتراض بوقوع تقلبات گسترده و حول خواست محوری ابطال انتخابات فرا گرفته است و در حد خود اهمیت برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک و تحت نظارت نهاد های بین المللی را در سطحی وسیع گوشزد کرده است، بهر صورتی که تداوم یا بد دستاورد های فراوانی برای جنبش مبارزاتی جامعه ما در مسیر استقرار نظامی دموکراتیک و مبتنی بر تفکیک دین از دولت داشته و خواهد داشت. این جنبش وسیع و گسترده بدون تردید مهر و نشان خود را هم بر نظام سیاسی ولایت فقیهی حاکم، هم بر جنبش مردم و روحیات مبارزاتی آنها و هم بر اپوزیسیون خواهد زد و...

از سوی دیگر نباید فراموش کرد که این وضعیت در فرایند برگزاری دهمین دور انتخابات ریاست جمهوری نظام و در شرایط بالا گرفتن جنگ قدرت در راس هرم حکومتی بر سر باز تقسیم قدرت میان جناح های آن

وبالا گرفتن رقابت میان کاندیدا های خود نظام بود که بروز کرد. توده های وسیع و میلیونی مردم خسته و بتنگ آمده از وضع موجود، با انگیزه های مختلف و بخصوص مقابله با انتخاب مجدد احمدی نژاد بود که در این باصطلاح انتخابات شرکت کردند. دو کاندیدای طیف اصلاح طلبان، که از قبل نیز بروشنی نگرانی خود را از روند مدیریت کشور و احتمال گسیخته شدن شیرازه امور نظام و جامعه ابراز کرده بودند بقصد نزدیک شدن به مردم رای دهنده، تحت تاثیر جنبش مطالبه محور مردم و نخبگان سیاسی و فرهنگی جامعه، بخشی از مطالبات مردم را در برنامه های انتخاباتی خویش وارد کردند. در چنین زمینه هایی بود که مقدمات نزدیکی میان جنبش مردم و دو کاندیدای اصلی مخالف احمدی نژاد فراهم گشت. این نزدیکی ها باتندتر شدن رقابت ها تقویت شد و با وقوع تقلبات گسترده و اعلام پیروزی احمدی نژاد در همان دور اول، بدان صورت و در میان بهت همگان، وارد فاز نوینی گشت: توده های وسیع و میلیونی مردم ناراضی با تمامی تنوعشان از یکسو و موسوی و کروبی، کاندیدا های به شدت تحقیر شده نظام از سوی دیگر، بفاصله دو روز همدیگر را حول شعار ابطال انتخابات، در خیابان های تهران و شهر های بزرگ پیدا کردند. در چنین مسیر هایی بود که موسوی، نخست وزیر 8 ساله نظام، معتقد به نظام و قانون اساسی آن، به نوعی در موقعیت رهبری جنبش وسیع و اعتراضی ای قرار گرفت که بنا به همه شواهد ضمن طرفداری از خواست ابطال انتخابات به عنوان خواست محوری، ولی فقیه و شورای نگهبان و نظارت استصوابی آن را به چالش گرفته است؛ جنبشی که در پی اعلام موضع صریح خامنه ای در نماز جمعه مبنی بر حمایت قاطع از احمدی نژاد، مردود انگاشتن وقوع تقلبات، توهین بمردم ناراضی و تهدید مردم و مخالفین خود به سرکوب، می تواند باز هم بیشتر در مسیر نافرمانی مدنی سوق پیدا کرده و ابعاد تازه تری بخود بگیرد. در چنین شرایطی، آیا موسوی و کروبی و همفکران پیرامونیشان، که بخش بزرگی از آنها هم اینک بازداشت شده و در زندان بسر می برند، به قول اولیه خویش، مبنی بر ایستادگی تا باز پس گرفتن رأی مردم یعنی تا ابطال نتیجه انتخابات، وفادار خواهند ماند؟ پایبندی آنان، یا هر یک از چهره های طرفدار آنان به این قول، در شرایط مشخص کنونی مفهومی جز فاصله گرفتن از نظام ولایت فقیهی، حد اقل در هیئت خامنه ای، و پیوستن به صفوف نیرومند اپوزیسیون، اگر چه اپوزیسیون قانونی و نیمه قانونی ندارد؛ امری که در صورت وقوع باید از آن استقبال کرد.

در عین حال نباید فراموش کرد که بحران کنونی یکبار دیگر ناتوانی ای نظام و ندانم کاری مسؤولان طراز اول آنرا در اداره کشور بنمایش گذاشت. ما فیای قدرت و باند های حکومتی، و در هله اول ولی فقیه شان

، اگر بر فرض محال می توانستند قدری از قدرت طلبی هایشان کاسته و منافع جناحیشان تا حدودی تابع منافع نظام مورد نظرشان قرار دهند شاید می توانستند از وقوع بحرانی در این ابعاد جلوگیری کنند؛ نکته ای که یکبار دیگر چهره کریه و واقعی مافیای در قدرت را، که گاه از فرط کوتاه بینی حتی از دین تا نوک بینی خود نیز ناتوان می ماند، در سطحی وسیع بنمایش گذاشته است.

30 خرداد 1388